

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۴

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هفتم، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۷

پاسخ علمای اهل سنت به مخالفان مهدویت با رویکرد دین‌شناسانه

حسین الهی نژاد^۱

محمد رضا زارع^۲

چکیده

یکی از مباحث مهم مهدویت پژوهی بحث اسلامی بودن اندیشه مهدویت است که در برابر آن، انکار اسلامی بودن و ادعای وارداتی بودن این اندیشه از ادیان مجوسیت، یهودیت و مسیحیت مطرح است؛ ادعایی که از جانب برخی از مخالفین مهدویت در اهل سنت بیان شده و با دست‌آویز قرار دادن آن به دنبال تضعیف اندیشه مهدویت برآمده‌اند. نوشتار پیش رو در پی آن است که اولاً نظریات منکران اصالت اسلامی اندیشه مهدویت را جمع‌آوری و دسته‌بندی نماید؛ ثانیاً نظریات مخالفین را در قالب ادعاهای سه‌گانه وارداتی بودن از مجوسیت، وارداتی بودن از یهودیت و وارداتی بودن از مسیحیت تنظیم و تحلیل نماید؛ ثالثاً با استناد به نظریات و دیدگاه‌های علمای اهل سنت ادعاهای آنها را پاسخ داده و رد نماید؛ رابعاً با استناد به آیات قرآنی و روایات نبوی اسلامی بودن مهدویت را مستند و مبرهن نماید. شایان ذکر است که علمای اهل سنت در برابر فرضیه عدم اصالت اندیشه مهدویت در اسلام ایستادگی کرده و با مردود اعلان کردن این فرضیه به اصیل بودن و اسلامی بودن آن نظر داده‌اند که جهت توجیه این نگرش می‌توان به

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مرکز تخصصی موعود (نویسنده مسئول)

(.khorshid1431@gmail.com)

نظریات تفسیری علمای اهل سنت در ذیل آیات مهدوی و نیز به مجموعه روایات نبوی موجود در منابع اهل سنت که با تعدد منابع روایی روبرو شده، استناد ورزید و همچنین به ادعای تواتر روایی مهدویت و اعتقادی بودن آن از ناحیه علمای اهل سنت و نیز اهتمام ورزی ویژه آنها در خصوص توجیه مهدویت، تمسک جسته و اسلامی بودن اندیشه مهدویت را تحلیل و توجیه نمود.

واژگان کلیدی:

مهدویت، اسلامی بودن اندیشه مهدویت، رویکرد دین‌شناسانه، علمای اهل سنت.

مقدمه

اندیشه مهدویت از اندیشه‌های اصیل اسلامی است که از سویی ریشه در منابع اصیل و معتبر اسلامی همچون قرآن و روایات اسلامی دارد و از سوی دیگر عمری به اندازه عمر اسلام داشته به گونه‌ای که اعتقاد به آن از اصول باورهای اسلامی به شمار می‌رود و به خاطر ریشه داشتن آن در قرآن کریم و روایات نبوی در میان اهل سنت جایگاه مهم و ویژه‌ای دارد.

در این میان اندیشه مهدویت در میان ادیان دیگر نیز با عنوان منجی باوری و اعتقاد به منجی آخرالزمان دارای سابقه و اصالت است ادیانی مانند یهود، مجوس و مسیحیت نیز به منجی بشریت اعتقاد دارند و همین باعث شده برخی از مخالفین مهدویت در اهل سنت با چشم پوشی از حقیقت این اندیشه در اسلام، آن را ساخته شیعه و یا وارد شده از ادیان دیگر دانست و اصالت اسلامی آن را انکار کنند و آن را اندیشه‌ای یهودی، مجوسی یا مسیحی بدانند.

در مقابل این شبهات، تعداد قابل توجهی از علمای اهل سنت در مقام پاسخگویی برآمده و بر اصالت اندیشه مهدویت در اسلام با دلیل و برهان تأکید کرده‌اند. این علما بر این باورند که اندیشه مهدویت از سویی ریشه در اولین و معتبرترین منبع اسلامی یعنی قرآن کریم و وحی دارد و از سوی دیگر روایات نبوی نیز به عنوان منبع اصیل اسلامی بر آن تأکید دارد به گونه‌ای که این اندیشه نزد آنان غیرقابل انکار و از اصول اعتقادات اسلامی به شمار می‌رود.

مفهوم‌شناسی بحث

رویکردشناختی

اصطلاح «رویکرد» به معنای زاویه دید و نوع نگاه اندیشمندان در بیان اندیشه و فکر است (خسروپناه: ۱۳۸۸: ۷۳) که غالباً با دو پسوند «شناختی» و «شناسی» همراهی می‌شود. رویکردشناسی و رویکردشناختی دو اصطلاحی است که از نظر مفهوم و حوزه کاربرد، از یکدیگر متمایز می‌شوند. زیرا واژه رویکرد با واژه «شناسی» پیوند اسمی و با واژه «شناختی» پیوند وصفی برقرار می‌کند. رویکردشناسی که ما حاصل پیوند اسمی میان «رویکرد» و «شناسی» است به عنوان یک اسم، تداعی‌گریک حوزه و سیستم منظم و منسجم می‌باشد نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و فیزیک‌شناسی که این واژگان با پسوند «شناسی»، علم شده‌اند برای علم فیزیک، علم جامعه و علم روان. پس جامعه‌شناسی یعنی علم جامعه‌شناسی و روان‌شناسی یعنی علم روان‌شناسی و فیزیک‌شناسی یعنی علم فیزیک‌شناسی. اما رویکردشناختی که ثمره پیوند وصفی میان «رویکرد» و «شناختی» است به عنوان یک وصف، بیانگر پیشوند خود می‌باشد نظیر رویکردشناختی فیزیک، رویکردشناختی تاریخ و... یعنی رویکردی که با وصف فیزیک مطرح است نه با وصف‌های دیگر و رویکردشناختی تاریخ یعنی رویکردی که با وصف تاریخ تحلیل می‌شود نه با وصف‌های دیگر و یا مثلاً واژه‌ای که در این نوشتار به عنوان تیتیر تحقیق انتخاب شده است یعنی «رویکردشناختی مخالفان مهدویت» که در آن رویکردهای مختلفی که مخالفان مهدویت نسبت به اندیشه مهدویت به کار گرفته‌اند مورد بررسی و شناسائی قرار می‌گیرند. پس در این جا «رویکردشناختی مخالفان مهدویت» به عنوان وصف و موصوفی هستند که به معنای شناخت رویکردهای مختلف مخالفان مهدویت در حوزه مهدویت می‌باشد نظیر رویکرد حدیث‌شناختی نقد مهدویت، رویکرد دین‌شناختی نفی مهدویت، رویکرد مذهب‌شناختی رد مهدویت، رویکرد نمادشناختی انکار مهدویت و رویکرد کارکردشناختی نفی مهدویت.

رویکرد دین‌شناختی

«رویکرد دین‌شناختی» که با پسوند دین‌شناختی همراه است بیانگر نوع نگاه و نگرشی است که بر اساس دین و داده‌های دینی سامان می‌گیرد و رد و قبول باورها و اندیشه‌ها با محوریت دین و آموزه‌های دینی تعریف و توجیه می‌شود. در این ترکیب نوشتاری مقصود از واژه «دین»

مطلق نبوده بلکه مقید به دین خاص یعنی اسلام می‌باشد. پس رویکرد دین‌شناختی در واقع به معنای رویکرد اسلام‌شناختی است. و رویکرد اسلام‌شناختی یعنی نگرش‌ها و شناخت‌هایی که از اسلام و اصول اسلامی برداشته شده که با این نگرش‌ها و شناخت‌های برداشته شده می‌توان به یک سری بایدها و نبایدهای اعتقادی دست پیدا کرد. بر این اساس در این رویکرد ادعای مخالفین مهدویت این است که از ملاکات و معیارهای برگرفته از اسلام به رد اندیشه مهدویت و عدم اسلامی بودن آن دست یازیده‌اند. یعنی استبعادورزی و تردیدافکنی آنها نسبت به اندیشه مهدویت معیار و ملاک اسلامی دارد و بر اساس مبانی و اصولی اسلامی توجیه و تفسیر می‌شود. مثلاً در رد اندیشه مهدویت گفته می‌شود که در دین اسلام اصلاً آموزه‌ای به نام مهدویت وجود نداشته و از ناحیه خدا اصلاً چنین باوری تشریح نشده است زیرا تشریح آموزه‌های اسلامی علاوه بر عقل و داده‌های عقلی بر نقل و داده‌های نقلی نیز استوار است. نقل و داده‌های نقلی در اسلام در قالب دو مؤلفه اساسی به نام قرآن و سنت تبلور دارد اما اندیشه مهدویت نه در قرآن و نه در سنت هیچ جایگاهی ندارد یعنی اندیشه مهدویت نه تنها یک مفهوم قرآنی نیست بلکه در سنت نیز هیچ روایت صحیحی آن را پشتیبانی نمی‌کند پس اندیشه مهدویت نه خاستگاه قرآنی دارد و نه خاستگاه روایی. از این رو بر اساس این «رویکرد دین‌شناختی»، از ناحیه دین اسلام به این شناخت و معرفت می‌رسیم که اندیشه مهدویت نه مورد تأیید اسلام و نه جزو باورهای اسلامی می‌باشد. پس در نتیجه اندیشه مهدویت اولاً خرافاتی و ساختگی تلقی می‌شود. ثانیاً عاریه‌ای است یعنی برگرفته از دین یهودیت و مسیحیت می‌باشد. اینها مواردی است از ادعاهای مخالفین مهدویت که با رویکرد دین‌شناختی مطرح شده است که البته با همین رویکرد یعنی رویکرد دین‌شناختی، موافقین مهدویت نیز با ارائه مستندات و براهین ابتدا به رد این نگرش‌ها و دیدگاه‌ها و بعد بر اساس مبانی قرآنی و روایی به توجیه اندیشه مهدویت مبادرت می‌نمایند که در ادامه به صورت تفصیلی پرداخته می‌شود.

ادعای تأسی و ام‌گیری مهدویت از دین مجوسیت

یکی از رویکردهایی که در زمینه عدم اصالت مهدویت در اسلام و وارد شدن آن به دین اسلام مطرح شده است ادعای تاثیرپذیری مهدی باوری از دین مجوسیت است به این معنا که این اندیشه پایگاهی در دین اسلام و مسلمانان نداشته است و مسلمانان در دوره‌های پس از اسلام تحت تأثیر باورهای دین مجوس به این اندیشه روی آورده‌اند.

قائلان این دیدگاه ادعاهایی همچون مجوسی بودن، ایرانی بودن و فارسی بودن مهدی باوری مطرح کرده‌اند و مدعی شده‌اند این اعتقاد از ایران و پیروان دین مجوس در این کشور به درون جامعه اسلامی راه یافته است که در این مجال به بیان عبارت‌های این دسته از علمای اهل سنت و بررسی ادله آنها می‌پردازیم.

محمد عبدالله سمان در کتاب *الاسلام المصفی* می‌نویسد:

اندیشه مهدویت از فارس برخاسته است، زیرا فارسیان تلاششان این است که اسلام را رنگ خرافات و اوهام بیخشنند و از این رو اندیشه مهدویت را وارد اسلام کرده‌اند. (السمان، بی‌تا: ۷۷)^۱

شخصیت دیگری که اعتقاد به مهدویت در میان مسلمانان را متأثر از دین مجوس می‌داند ربیع بن محمد السعودی است. وی در کتاب *الشیعة الامامية الاثنی عشریة فی میزان الاسلام*، همان ادعای سمان را مطرح کرده و می‌نویسد:

هر آن چه پیرامون ظهور و اعتقاد به مهدی در میان مسلمانان مطرح شده است، همگی از خرافات و تراوشات ذهنی ایرانیان است و اگر نه در اسلام مقوله‌ای تحت عنوان ظهور و مهدویت نداشته و نداریم. (السعودی، ۱۴۰۲: ۳۰۸)^۲

باز در راستای دو ادعای گذشته ناصرالدین شاه در کتاب *العقائد الشیعیة و دجال القرن العشرين* همین ادعا را به بیان دیگری مطرح ساخته و می‌نویسد:

اساس اعتقاد به ظهور و باور به مهدویت برگرفته از فکر مجوسی است، زیرا مجوسیان اعتقاد به آمدن مخلص و منجی به نام «سادسعودیشیانس» دارند و هنگامی که مجوسیان به اسلام گرایش پیدا کردند، این باور را با خود آوردند و شیعیان هم به آن معتقد شدند. (ناصرالدین شاه، بی‌تا: ۱۰۵)^۳

اقبال لاهوری از افرادی است که اندیشه مهدویت را برگرفته از باورهای مجوسیت می‌داند و در کتاب *تجدید الفكر الدینی فی الاسلام* در تحلیل خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ می‌نویسد:

خاتمیت دارای دو پیام است: ۱. خاتمیت یعنی اتمام اعجاز و کارهای خارق‌العاده و ارتباط

۱. وكان من الضروري أن يزكى فكرة المهدي الفرس... الذين كان كل همهم أن صبغوا الاسلام بصيغة الخرافات و الاباطيل.

۲. هذا ما كان من ظهور الاعتقاد بالمهدي و شياعه بين المسلمين فترون أنه ما كان إلا خرافة إيرانية لا صلة بينها و بين الاسلام و لكنها لما شاءت راجت بين المسلمين أكثر مما كان بين الايرانيين أنفسهم.

۳. و الفكرة فی أساسها فكرة مجوسية إذ ان المجوس كانوا يعتقدون بمنجى المخلص فی آخرالزمان و كانوا يسمونه سادشياناس فلما دخل المجوس فی الاسلام حملوا معهم هذه الفكرة فتمسك بها الشيعيون.

با آسمان؛ ۲. خاتمیت یعنی اجتناب و دوری از فکر و اندیشه مجوسیت در مورد انتظار؛ زیرا باورمندان به زردشت دائماً در انتظار ظهور فرزند زردشت به سر می‌برند که متأسفانه در اسلام نیز این نگرش رواج یافته است.

اقبال لاهوری در ادامه پا را فراتر نهاده و حتی مسیحیان را نیز در این زمینه متأثر از مجوس می‌داند و می‌گوید:

مسیحیان از اندیشه انتظار و ترقب مجوسیان متأثر شده و بر این اساس در انتظار ظهور حضرت عیسی علیه السلام به سر می‌برند و در واقع ابن خلدون راه درستی را برگزیده که با نگرش تاریخی به طور کلی اساس اندیشه مهدویت را انکار نموده است. (اقبال لاهوری، ۱۹۶۸: ۱۴۴)^۱

اقبال لاهوری علاوه بر این در نامه‌ای مورخ ۷ آوریل ۱۹۳۲ میلادی یعنی ۸ سال پیش از وفاتش به محمد احسان می‌نویسد:

به عقیده من تمام احادیث مرتبط با مهدی برگرفته از مسیحیت است و مجدویت (از شاخه‌های فرقه احمدیه) محصول تصور ایرانی و نه عربی است و مطمئن هستم که آن احادیث با روح حقیقی قرآن ارتباطی ندارد. (اقبال لاهوری، ۱۹۶۸: ۳۵۲)

محمد بهی در کتاب *الفکر الاسلامی و صلته بالاستعمار الغربی* وقتی که نگرش اقبال را در مورد خاتمیت بیان می‌کند در حاشیه کتاب می‌نویسد:

فکر برگرفته از اندیشه مجوس که ابن خلدون نیز بدان اشاره کرده، همان فکر مهدویت است. (البهی، ۱۴۲۶: ۳۷۶)^۲

ادعای برگرفتنی مهدویت از آموزه‌های یهودیت

در میان علمای اهل سنت که قائل به وارداتی بودن و عدم اصالت اندیشه مهدویت در اسلام هستند، برخی قائل به وارد شدن اندیشه مهدویت و منجی باوری از یهودیت به اسلام هستند که در این مجال به مرور ادعاها و استدلالات آنها می‌پردازیم.

۱. والامر الثانی ابعاد ظهور فکرة المجوسية و هی فکرة الترقب لظهور ابناء زرادشت الذین لم یولدوا بعد، والحیلولة دون ظهورها فی المجتمع الاسلامی و قد تائرت المسيحية بهذه الفکرة عندما اعتقدت بظهور المسيح... صار ابن خلدون علی هدی من نظرتة الی التاريخ فأفاض فی نقده و قضی - فیما اعتقد - قضاء نهائیا علی اساس مزعوم لفکرة ظهور المخلص فی الاسلام و هی فکرة شبيهة فی آثارها السیکولوجية بالفکرة المجوسية الاصلية التي كانت قد ظهرت فی الاسلام تحت تاثیر الفکر المجوسی.

۲. والفکرة التي ظهرت فی الاسلام تحت تاثیر المجوسية و یشير إليها ابن خلدون، فکرة المهدی.

محمد أبو زهرة عضو سابق مرکز تحقیقات اسلامی الازهر در کتاب *الإمام الصادق عليه السلام* می‌نویسد: گرچه اهل سنت مهدویت را در برخی از کتاب‌های خویش آورده‌اند، ولی اولاً در دو کتاب صحیح یعنی *بخاری* و *مسلم* نیامده است و ثانیاً علمای اهل سنت به طور کلی اسناد روایات مهدی را مورد خدشه قرار داده‌اند. (ابوزهرة، ۱۹۹۳: ۱۸۶)

وی پس از این ادعا در کتاب دیگر خود به نام *الامام زید* می‌نویسد:

اعتقاد شیعیان به امام مهدی منتظر در واقع برگرفته از دین یهودیت بوده و آنها مثل یهودیان که اعتقاد به زنده بودن الیاس و منحاس دارند، اعتقاد به زنده بودن امام مهدی علیه السلام دارند. (ابوزهرة، ۱۹۵۹: ۱۱۳)

سعد محمد حسن در کتاب *المهدیة فی الاسلام* می‌نویسد:

دو عامل سبب پیدایش و ترویج اندیشه مهدویت شده است: ۱. عامل خارجی یعنی یهودیت؛ ۲. عامل درونی یعنی سرخوردگی شیعیان. (حسن، ۱۳۷۳: ۴۸)^۱

وی در جای دیگر این کتاب ادعا می‌کند که اندیشه مهدویت برگرفته از عقیده نجات بخشی است که در دیگر ادیان مطرح است. (حسن، ۱۳۷۳: ۴۴)^۲

وی در جای دیگر همین کتاب می‌نویسد:

شکل‌گیری اندیشه نجات بخشی ابتدا از ناحیه یهودیان صورت گرفته و بعد وارد پیروان دین مسیحیت شده و از ناحیه مسیحیت وارد کیان اسلامی شده است. (حسن، ۱۳۷۳: ۴۹)^۳

کامل سعفان در کتاب *الساعة الخامسة والعشرون* ادعا می‌کند که ریشه اندیشه مهدویت به دین یهودیت باز می‌گردد و یهودیان همیشه آرزومند بودند که منجی موعود ظهور کند و آنها را از اسارت و مشکلات مختلف دنیائی نجات دهد و در طول تاریخ به دنبال ظهور مسیح، ماشیح، مخلص و منقذ بوده‌اند که این نگرش به مرور زمان وارد کیان اسلامی شده است (سعفان، ۱۴۱۶: ۱۰۸)^۴ پس مسیح و دجال واقعیت اسلامی نیست، بلکه یک دسیسه و نگرش ساختگی

۱. التي ترتکز فی وجودها علی عاملین: خارجی یهودی اما العامل الثانی فی خلق هذا المعتقد فی البيئة الاسلامية اذ عندما أفلت زمام الامر من يد الشيعة و ادال المويين دولتهم.

۲. ولقد كانت عقيدة المخلص هذه من أهم العوامل التي خلقت عقيدة المهدی فی المجتمع الاسلامی فحیث هذه علی غرار تلك.

۳. وكان من أثر اليهودية فی المسيحية... ثم غزت المسيحية السوق الاسلامية بیضاعتها هذه فقال بها الاسلاميون.

۴. ثم إن فكرة المهدی المنتظر بصورة عامة ذات جذر یهودی فكان المسيا او الماشیح او المخلص المنقذ هو الحلم الذي یلتمع من حين لآخر بین الغیوم.

است که حاکمان جهت سوءاستفاده از مردم و برای رسیدن به اهداف دنیائی آن را مطرح کرده‌اند. (سعفان، ۱۴۱۶: ۱۴۰)

وی در همین کتاب، اندیشه مهدویت را یک اندیشه شیعی برگرفته از یهود می‌داند. (سعفان، ۱۴۱۶: ۱۱)^۱

با بررسی و تحلیل این ادعاها می‌توان نکات زیر را نتیجه گرفت:

۱. اندیشه مهدویت ریشه و اساسی در اسلام ندارد و این اندیشه فقط در میان شیعیان رواج

دارد؛

۲. اعتقاد به منجی از باورهای یهودیت است که شیعیان به آن تمسک کرده‌اند؛

۳. شیعیان برای باورمندی به اندیشه مهدویت هیچ دلیل شرعی در اختیار ندارند و صرفاً برای رهایی از مشکلات خود و سرکوب و ظلم و ستم حاکمان به این اندیشه باورمند شده‌اند تا همچون روزنه امیدی برای نجات آنها باشد.

به صورت اجمالی باید گفت که معتقدان این باورها مانند همیشه در اثبات باورهای خود از آوردن دلائل و شواهد خودداری کرده‌اند و نگفته‌اند این اندیشه چگونه از یهودیت به جامعه شیعی راه یافته است و باز نگفته‌اند چرا این اندیشه اسلامی نیست و چگونه روایات فراوان دال بر وجود مهدی و منجی در منابع اهل سنت را نادیده گرفته‌اند؟ پاسخ ادعاهای این افراد پس از بررسی ادله قائلان به ورود اندیشه مهدویت از دین مسیحیت به اسلام و بررسی این نظریات به تفصیل بیان خواهد شد.

ادعای الگوگیری مهدویت از دین مسیحیت

در میان مخالفین مهدویت از اهل سنت که منکر اصالت مهدویت در اسلام هستند، عده‌ای نیز قائل به ورود آن اندیشه از دین مسیحیت به اسلام هستند که این جا به بررسی نظریات آنها می‌پردازیم:

سعد محمد حسن در کتاب *المهدیة فی الاسلام* اندیشه مهدویت را برگرفته از مسیحیت و اندیشه رجعت عیسی علیه السلام را برگرفته از یهودیت می‌داند؛ یعنی مسلمانان اعتقاد به مهدویت را از مسیحیان و مسیحیان نیز اعتقاد به رجعت حضرت عیسی علیه السلام را از یهودیان گرفته‌اند. (حسن،

۱. كما أن المهدی هو نتائج الظروف التي مر بها الشيعة في زمان الأمويين والعباسيين بالإضافة إلى أخلاط يهودية.

علاوه بر این مصطفی شیبی در کتاب *الصلة بين التصوف والتشيع* ادعا می‌کند که اصل تفکر مهدویت از دین یهودیت و مسیحیت گرفته شده و برای این امر دو دلیل بیان می‌کند:

۱. سخن عمر خطاب که بعد از ارتحال رسول گرامی اسلام ﷺ رحلت حضرت را انکار کرد و گفت: پیامبر اسلام ﷺ مانند حضرت عیسی عليه السلام به آسمان رفته است؛
۲. روایاتی در منابع حدیثی اهل سنت و شیعه آمده با این محتوا که هر آن چه در قوم بنی اسرائیل رخ داده در میان مسلمانان نیز رخ می‌دهد.

بنابر این وی مدعی شده که از این دو مطلب یعنی سخنان عمر و روایات مزبور و نظایر آن به مرور زمان، بستر شکل‌گیری اندیشه منجی و منجی‌گرایی در میان مسلمانان فراهم شده است. (شیبی، ۲۰۱۱: ج ۱، ۱۱۰)^۲

گلدزیهر مستشرق یهودی نیز در کتاب *العقيدة والشريعة* می‌نویسد:

ریشه و اصل اندیشه مهدویت برگرفته از یهودیت، مسیحیت و زردشتی است. (گلدزیهر، ۱۹۴۶: ۲۸۸)^۳

اندیشه مهدویت وارداتی نیست

در سطور گذشته با برخی نظریات منکران اصالت اسلامی اندیشه مهدویت و همچنین برگرفتنی آن از اندیشه‌ها و باورهای مجوسی، یهودی و مسیحی آشنا شدیم. همان‌گونه که بیان شد این افراد اندیشه مهدویت را همان اندیشه منجی‌باوری موجود در ادیان پیشین می‌دانند که از سوی مجوسیان یا ایرانیان یا فارسی‌زبان‌ها یا پیروان ادیان مسیحیت و یهودیت به دین اسلام راه یافته است و متأسفانه برای اثبات چنین ادعا و اتهامی چندان دلیلی نیز ذکر نکرده‌اند و از بیان شواهد و ادله تاریخی در این زمینه نیز غفلت کرده‌اند. در این زمینه حتی شخصیتی مانند اقبال لاهوری نیز که شخصی اندیشمند و آشنا به فلسفه است از آوردن دلیل و شاهد برای ادعای خود غفلت ورزیده و گویی فقط به دنبال یافتن موافقی برای خود در

۱. وكان من أثر اليهودية في المسيحية أن قال المسيحيون برجعة عيسى كمهدى في آخر الزمان ثم غزت المسيحية السوق الإسلامية ببضاعتها هذه فقال بها الإسلاميون.

۲. الرأي عندنا أن الأصل في فكرة المهدي اتصالها بالمسيحية واليهودية وإشارة عمر إلى أن محمدا عليه السلام رفع إلى السماء كما رفع عيسى.

۳. قد امتزج بالفكرة المهدية التي ترجع في أصلها إلى العناصر اليهودية والمسيحية بعض خصائص الزرادشتي.

این ادعا بوده و در این زمینه به ابن خلدون و نظر او درباره مهدویت اشاره کرده که در آینده به آن خواهیم پرداخت. در هر صورت فقدان استدلال جدی و قابل اعتنا در این نظریات، تا حدود زیادی موجب سست بودن این ادعاها از لحاظ علمی می‌شود.

استدلال پنهان

در میان اقوالی که در مورد وارداتی بودن اندیشه مهدویت بیان شد، می‌توان استدلال پنهانی را کشف کرد که از اجزاء مختلفی تشکیل شده که عبارتند از:

۱. اندیشه مهدویت همان نمونه اندیشه منجی‌گرایی ادیان مجوسیت، یهودیت و مسیحیت در اسلام است؛
۲. اندیشه منجی باوری دارای پیشینه تاریخی است و در ادیان دیگر مانند یهودیت، مجوسیت و مسیحیت سابقه دارد؛

۳. برخی تشابهات میان اندیشه مهدویت و منجی باوری در ادیان دیگر وجود دارد؛

۴. نتیجه این‌که اندیشه مهویت برگرفته از منجی‌گرایی ادیان گذشته می‌باشد.

بدین ترتیب از استدلال فوق که از کلام قائلان به وارداتی بودن اندیشه مهدویت قابل انتزاع است، می‌توان چنین برداشت کرد که آنها اولاً به خاطر پیشینه‌دار بودن اندیشه منجی باوری در تاریخ ادیان و ثانیاً به خاطر وجود شباهت‌هایی میان اندیشه مهدویت و منجی باوری ادیان گذشته، اصالت اسلامی آن را انکار کرده‌اند و آن را اندیشه‌ای کاملاً وارداتی دانسته‌اند که از دین دیگر به اسلام راه یافته است.

هراندیشه مشابهی، وارداتی نیست

در پاسخ به استدلال فوق که تازه در کلام قائلان این اتهام هم به صراحت بیان نشده است باید گفت نمی‌توان بر اساس پیشینه‌دار بودن یک اندیشه در ادیان گذشته و وجود شباهت‌هایی میان دو اندیشه ادعا کرد که این اندیشه از ادیان گذشته به اسلام راه یافته است، زیرا اگر باب برای چنین ادعا و استدلالی باز شود می‌توان این شبهه را در مورد بیشتر باورهای اصیل و محوری اسلام نیز مطرح کرد و اصالت آنها در اسلام را انکار نمود.

به بیان دیگر صرف شباهت یک اندیشه به اعتقادات ادیان دیگر یا پیشینه‌دار بودن آن در ادیان گذشته نمی‌تواند دلیلی برای عدم اصالت آن در اسلام باشد به ویژه این‌که این اندیشه در اسلام دارای ادله محکم و غیرقابل انکار از سوی منابع اصیل دینی مانند قرآن و سنت نیز باشد.

از سوی دیگر اگر چنین استدلالی صحیح باشد، می‌توان بر همین اساس اصالت باورهایی مانند توحید و خدا باوری و حتی معاد را در اسلام انکار کرد و بر این اساس می‌توان ادعا کرد که به خاطر پیشینه‌دار بودن این باورها و وجود شباهت میان باور توحیدی اسلام و ادیان گذشته این باورها نیز در اسلام اصالتی ندارد و از ادیان گذشته به اسلام وارد شده است در صورتی که چنین نظری هیچ قائلی در میان این افراد ندارد.

پاسخ علمای اهل سنت به شبهه وارداتی بودن مهدویت

بی‌شک ما در این نوشتار در مقام بیان و رصد پاسخ علمای شیعه به ادعاهای مطرح شده نیستیم، بلکه تنها به بیان نظریات علمای اهل سنت در پاسخ به ادعاهای مطرح شده و تاکید بر اصالت اندیشه مهدویت در اسلام خواهیم پرداخت.

شیخ عبدالعزیز بن باز^۱ رئیس دانشگاه اسلامی مدینه می‌گوید:

مهدویت امری معلوم و ثابت است که روایات در این زمینه مستفیض است و بلکه می‌توان گفت متواتر است که معنای هم را تایید می‌کنند و این روایات به راستی دلالت می‌کند بر اینکه چنین شخص موعودی (مهدی) وجود دارد و خروج (ظهور) او حق است.^۲

احمد محمد جلی نیز در کتاب *دراسة عن الفرق فی تاریخ المسلمین* در خصوص پاسخ به وارداتی بودن اندیشه مهدویت می‌نویسد:

اندیشه مهدویت در اسلام دارای سند قوی از نظر احادیث و آثار می‌باشد و با وجود این اسناد یعنی روایات و آثار که اندیشه مهدویت بر آنها استوار بوده و به عنوان خاستگاه مهدویت تلقی می‌شود، نمی‌توان شبهه وارداتی بودن مهدویت را پذیرفت. (جلی، ۱۴۲۹: ۲۲۴)^۳

وائلی^۴ در کتاب *هویة التشیع* ابتدا به بیان ریشه‌های اندیشه مهدویت پرداخته و آن را به سه مقوله «وضعی و تشریحی» «وضعی و سیاسی» و «الگوپذیری و تقلیدی» تقسیم می‌کند و به

۱. متوفای ۱۹۹۹ میلادی؛ وی گرایش سلفی و ضد شیعی داشت و برخی وی را بنام‌ترین عالم سلفی معاصر می‌دانند.
۲. تعلیق علی محاضرة عنوانها (عقيدة أهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر)، بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله؛ (فأمر المهدی أمر معلوم والأحادیث فیہ مستفیضة بل متواترة متعاضدة.. فهی بحق تدل علی أن هذا الشخص الموعود به مر ثابت و خروجه حق).

۳. و قد سبق أن رأينا أن هذه الفكرة لها سند قوی من الأحادیث و الآثار رغم الخلاف حول صحتها و من ثم فلیس هناك ما یبرر تلمس الجذور أجنبية لها.

۴. شیخ احمد وائل، خطیب و اندیشمند معاصر شیعه اهل عراق، ۱۳۴۷-۱۴۲۴ق.

نحوی بیشترین توجه خویش را به پاسخ دادن به شبهه سوم که اندیشه مهدویت را برگرفته از شعب، اقوام و ادیان دیگر می‌داند جلب می‌کند و در پاسخ می‌نویسد:

اندیشه مهدویت برگرفته از دین اسلام بوده و مورد اتفاق و اجماع تمام گروه‌های اسلامی است و در مورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه شیعه و اهل سنت بالاتفاق روایاتی را نقل کرده و در منابع حدیثی آورده‌اند. مثلاً در منابع اهل سنت نظیر «مسند» احمد، «سنن» ترمذی، «سنن» ابوداود «سنن» ابن ماجه، «مستدرک» حاکم، «البيان» گنجی شافعی، «قول المختصر» ابن حجر عسقلانی و... روایات مهدویت را نقل کرده‌اند و نیز صحابه رسول گرمی اسلام صلی الله علیه و آله نظیر امام علی ع، ابن عباس، عبدالله بن عمر، طلحه، ابن مسعود، ابی هریره، ابی سعید خدری، ام سلمه و... روایات مهدویت را نقل کرده‌اند و همچنین ابن حجر در پاسخ به سؤالی که درباره منکران مهدویت از وی می‌شود می‌نویسد: بر اساس روایات «من کذب بالمهدی فقد کفر» (کسی که منکر مهدی شود کافر است) (وائلی، ۱۳۶۲: ۱۸۰) یکی از روایات موجود در این زمینه روایت فوق از پیامبر است که می‌فرماید منکر مهدی کافر است و این روایت در منابع زیادی از اهل سنت ذکر شده است. (المقدسی السلمی الشافعی، ۱۳۹۹: ۲۳۰-۲۳۱؛ الهیثمی السعید الانصاری، ۱۳۹۰: ۲۷؛ السفارینی الحنبلی، ۱۳۲۴: ج ۲، ۸۴)

پاسخ به ادعای اقبال لاهوری

اما اقبال لاهوری در ادعای خود مبنی بر وارداتی بودن اندیشه مهدویت همان‌گونه که بیان شد از آوردن دلیل خودداری کرده است و از سوی دیگر به نوعی در کلام او اضطراب وجود دارد، زیرا گاه اندیشه مهدویت اسلام را برگرفته از مجوسیت و گاه آن را برگرفته از مسیحیت می‌داند. اقبال لاهوری از سوی دیگر برای تایید ادعای خود به نظریه ابن خلدون اشاره می‌کند که با نگرش تاریخی خود به طور کلی اندیشه مهدویت را انکار کرده است. (ابن خلدون، ۱۴۲۱: ۲۴۵)

با نگاهی به نظر ابن خلدون درباره اندیشه مهدویت می‌بینیم که وی با اشاره و اعتراف به وجود احادیث مهدویت در اسلام، اکثر این روایات را مخدوش و بی‌اعتبار می‌داند و در ادامه اعتراف می‌کند که برخی از این احادیث نیز غیرقابل خدشه هستند.

در پاسخ به نظر ابن خلدون درباره مخدوش بودن احادیث مهدویت نیز می‌توان به چند نکته اشاره کرد: اول این که ایشان همان‌گونه که در آغاز سخن خود اعتراف کرده است، اندیشه مهدویت در طول قرن‌ها و اعصار مختلف در میان مسلمانان مشهور بوده است و باز اعتراف می‌کند که گروهی از علمای حدیث مانند ترمذی، ابوداود، ابن ماجه، بزاز، حاکم نیشابوری،

طبرانی و ابویعلی و... احادیث مربوط به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در کتاب های خود به نقل از گروهی از صحابه مانند علی رضی الله عنه، ابن عباس، عبدالله بن عمر، طلحه، عبدالله بن مسعود، ابوهریره، انس، ابوسعید خدری، ام حبیبه، ام سلمه، ثوبان، قره بن الیاس، علی هلالی، عبدالله بن حارث و... نقل کرده‌اند که این دو اعتراف هر دو علیه ادعای او در انکار اصالت مهدویت است. از سوی دیگر شماری از علمای اهل سنت نیز در مقام تضعیف نظر ابن خلدون در مخدوش دانستن روایات مهدویت، نظری دربار روایات و ارزیابی آن را بی اعتبار دانسته‌اند و گفته‌اند وی از علمای تاریخ است و نمی‌توان در ارزیابی احادیث به نظری وی اعتماد کرد.

عباد در کتاب **الإحتجاج** درباره مخالفت ابن خلدون با احادیث مهدویت می‌نویسد:

ابن خلدون همه روایات مهدویت را رد نکرده است و در واقع به سلامت برخی از آنها اعتراف کرده و علاوه بر این ایشان مورخ است و به جهت تخصصی که در علم تاریخ دارد می‌تواند در مباحث تاریخی نظر بدهد، اما دیدگاه‌های او در امور حدیث و علم حدیث قابلیت مرجعیت و استناد را ندارد و در این مورد یعنی مورد نگرش‌های حدیثی باید به اشخاصی نظیر بیهقی، عقلی، خطابی، ذهبی، ابن تیمیه، ابن قیم و... که متخصص علم روایه و درایه هستند مراجعه کرده و نظریات‌شان را مورد توجه قرار داد. (عباد، ۱۴۱۱: ۳۰۷)

قرآن و سنت توجیه‌گر اسلامیت مهدویت

اما در مقابل ادعاهای فوق که توسط عده اندکی از علمای اهل سنت مطرح شده است و تلاش کرده‌اند اندیشه مهدویت را اندیشه‌ای غیر اسلامی و فاقد اصالت اسلامی و وارد شده از دین‌های مجوسیت، یهودیت و مسیحیت تلقی کنند، علمای زیادی از اهل سنت به این ادعاهای آنها پاسخ داده‌اند که این پاسخ‌ها در مقام اثبات اسلامی بودن و اصالت اسلامی اندیشه مهدویت اولاً اثبات می‌کند که مهدویت ریشه در قرآن کریم دارد ثانیاً به تبیین خاستگاه روایی اندیشه مهدویت در میان منابع روایی و روایت مورد قبول اهل سنت می‌پردازد و نیز پس از اثبات اصالت مهدویت از طریق قرآن و روایات، علمای اهل سنت به این واقعیت اشاره می‌کنند که اندیشه مهدویت و مهدی باوری نه تنها در حاشیه اسلام نیست و اصالت اسلامی دارد، بلکه مورد اتفاق تمام مسلمانان و گروه‌های اسلامی بوده و هست.

قرآن خاستگاه اندیشه مهدویت

اندیشه مهدویت زمانی به عنوان یک اندیشه اصیل اسلامی در میان مسلمانان خواهد بود

که ریشه در قرآن کریم داشته باشد و قرآن کریم به عنوان ثقل اکبر و منبع اصیل دینی خاستگاه آن باشد. از این رو علمای اهل سنت نیز برای اثبات اصالت اسلامی مهدویت به خاستگاه قرآنی آن توجه کرده‌اند و در این زمینه در کتب مختلف خود از جمله تفاسیر قرآن به آیات دال بر اندیشه مهدویت اشاره کرده‌اند. البته مطالب بیان شده و نگاشته شده در این زمینه توسط علمای اهل سنت بسیار فراوان‌تر از شبهاتی است که مطرح شده است و از سوی دیگر فراوانی بحث‌ها و مناقشات و کتب تدوین شده در این زمینه از سوی علمای اهل سنت، خود می‌تواند گواه آشکاری بر اصالت و اهمیت موضوع مهدویت در میان اهل سنت باشد. تویجری در کتاب **الاحتجاج می‌نویسد:**

هرکس به قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام ﷺ مراجعه کند، به تصدیق ظهور امام مهدی ﷺ پی می‌برد و در واقع انکار این واقعیت فقط از سوی انسان‌های نادان و غیرمنطقی صورت می‌گیرد. (تویجری، ۱۴۰۳: ۱۲۷)^۱

مهدویت در کتب تفسیری

یکی از مجال‌هایی که علمای اهل سنت در آن به اثبات اصالت اندیشه مهدویت و اسلامی بودن آن پرداخته‌اند و به تبیین آموزه‌های قرآنی در این زمینه پرداخته‌اند کتب تفسیر اهل سنت می‌باشد به گونه‌ای که از میان صد و چند تفسیر نگاشته شده توسط اهل سنت حدود ۹۵ تفسیر به موضوع مهدویت پرداخته‌اند و در تفسیر آیات قرآن کریم مرتبط با مهدویت به این اصل مهم اشاره کرده‌اند که همین تفاسیر و استنادها و مطالب و آموزه‌های بیان شده در آن، می‌تواند بستر خوبی برای پاسخ‌گویی به شبهات و ادعاهای مطرح شده توسط برخی منکران باشد که در این مجال به برخی از این استنادهای قرآنی اشاره می‌کنیم.

آیه ۳۰ سوره توبه

یکی از آیاتی که مفسران اهل سنت در تفسیر آن به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ و اندیشه مهدویت اشاره کرده‌اند آیه ۳۰ سوره توبه است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۲

۱. کل من تمسک بالكتاب و السنة فإنه يصدق بخروج المهدي لثبوت ذلك عن النبي ﷺ ولا ينكر خروجه إلا جاهل أو مكابر.

۲. توبه: ۳۳.

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آئین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

قرطبی در تفسیر خود می‌گوید:

این اتفاق یعنی غلبه دین حق بر تمام ادیان در زمان خروج مهدی اتفاق می‌افتد که در آن زمان انسان‌ها یا باید مسلمان شوند یا جزیه بپردازند و برخی گفته‌اند او عیسی است، اما این قول درست نیست، زیرا اخبار صحیح بر این دلالت دارد که مهدی از خاندان رسول الله است و نمی‌توان او را عیسی دانست. (انصاری قرطبی، ۱۳۷۴: ج ۸، ۱۲۲)^۱

اما شبلینجی در کتاب *نور الابصار* از قول محمد الکنجی در کتاب *البیان* می‌نویسد:

در اخبار مربوط به صاحب‌الزمان ادله‌ای وجود دارد که بیان می‌کند مهدی پس از غیبت خود تاکنون زنده و باقی است و امتناعی از این امر نیز وجود ندارد مانند عیسی بن مریم و خضر و الیاس و اعور دجال و شیطان ملعون که اینها بنا بر ادله کتاب و سنت باقی هستند.

وی سپس درباره دلیل قرآنی بر وجود مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ به آیه **﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾** استناد می‌کند و می‌گوید او مهدی از فرزندان فاطمه است. (الشبلنجی، ۱۴۱۸: ۳۴۳)^۲

آیه ۸۶ سوره هود

با تأمل در تفاسیر اهل سنت درباره آیه ۸۶ سوره هود نیز می‌بینیم برخی از این تفاسیر به صراحت این آیه را بر اندیشه مهدویت تطبیق کرده‌اند. خدای متعال در این آیه می‌فرماید:

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۳

آنچه خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید!

شبلینجی در کتاب *نور الابصار* درباره این آیه می‌گوید:

۱. ذاك عند خروج المهدي، لا يبقى أحد إلا دخل في الإسلام أو أدي الجزية. و قيل: المهدي هو عيسى فقط و هو غير صحيح لان الاخبار الصحاح قد تواترت على أن المهدي من عتره رسول الله ﷺ، فلا يجوز حمله على عيسى.
۲. فی أخبار صاحب الزمان من الأدلة على كون المهدي حيا باقيا بعد غيبته و إلى الآن وأنه لا امتناع فی بقاءه بقاء عيسى بن مریم و الخضر و الیاس من أولیاء الله تعالى و بقاء الأعور الدجال و ابليس اللعين من أعداء الله تعالى و هؤلاء قد ثبت بقاءهم بالكتاب والسنة... و أما بقاء المهدي فقد جاء فی تفسیر الكتاب العزيز عن سعید بن جبیر فی تفسیر قوله تعالى **﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾** قال هو المهدي من ولد فاطمة رضی الله عنها.
۳. هود: ۸۶.

هنگامی که مهدی ظهور کند، تکیه بر دیوار کعبه داده و سیصد و سیزده مرد از پیروانش گرد او هستند و اولین چیزی که بر زمان جاری می‌کند این آیه است و سپس می‌گوید من بقیة الله در زمین هستم. (الشبلنجی، ۱۴۱۸: ۳۴۹)^۱

آیه ۱۱۴ سوره بقره

خداوند متعال در آیه ۱۱۴ سوره بقره می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانون‌های عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!!

این آیه نیز از جمله آیاتی است که در تفسیر آن به مسئله ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف اشاره شده است.

سیوطی در تفسیر الدرالمشور و طبری در جامع البیان خود در ذیل این آیه می‌نویسند:

اما خواری آنها در دنیا هنگامی کاست که مهدی ظهور کند و قسطنطنیه را فتح کند و آنها را بکشد و این‌گونه خوار می‌شوند. (سیوطی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۱۰۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۹۹)^۲

در تفسیر کشف الاسرار نیز در ذیل این آیه چنین آمده است:

خزای ایشان در دنیا آن است که مهدی بیرون آید و قسطنطنیه را بگشاید. و جای ایشان خراب کند و قومی را بکشد، و قومی را ببردگی ببرد، و مهدی آن است که مصطفی صلی الله علیه و آله گفت: «لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث فيه رجلا متى او من اهل بيتي يواطئ اسمه اسمي، و اسم ابيه اسم ابي، يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». (میبدی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۳۲۵)

قرطبی نیز در تفسیر خود در ذیل این آیه می‌نویسد:

خواری آنها در دنیا هنگام قیام مهدی و فتح عموریة و رومیة و قسطنطنیه و شهرهای دیگر آنها است همان‌گونه که در کتاب تذکره هم بیان کردیم. (قرطبی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۷۹)^۳

۱. فإذا خرج أسند ظهره إلى الكعبة واجتمع عليه ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً من أتباعه فأول ما ينطق به هذه الآية «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ثم يقول أنا بقیة الله فی أرضه.

۲. أما خزيبهم في الدنيا فانه إذا قام المهدي وفتحت القسطنطينية قتلهم فذلك الخزي.

۳. الخزي لهم في الدنيا قيام المهدي، وفتح عمورية و رومية و قسطنطينية، و غير ذلك من مدنهم، على ما ذكرناه في كتاب التذكرة.

علاوه بر این موارد حافظ قندوزی از علمای اهل سنت در کتاب *ینابیع المودة* در ذیل آیات متعدد از قرآن کریم به مسئله مهدویت اشاره کرده است که مقام، گنجایش بیان آن را ندارد. (قندوزی، ۱۴۱۸: ج ۳، ۲۳۶، ۲۵۲-۲۵۳)

روایات و آثار، خاستگاه اندیشه مهدویت

پس از قرآن کریم منبع اصیل اسلامی دیگری که بیانگر اصالت اسلامی اندیشه مهدویت است، روایات نقل شده از پیامبر ﷺ درباره اندیشه مهدویت و همچنین مطالب و اظهارنظرهایی است که صحابه پیامبر در این زمینه نقل کرده و بر این اندیشه اصیل اسلامی صحه گذاشته‌اند. در زمینه روایات نیز می‌توان با سه رویکرد تعداد روایات، تعداد منابع و تعداد نقل روایت، به ارزیابی روایات موجود در منابع اهل سنت پرداخت و اصالت اندیشه مهدویت را در میان آن جستجو و اثبات کرد. البته ما در این مجال در مقام ذکر این روایات و بررسی محتوای آن نیستیم، بلکه در مقام بررسی آماری آن بنا به حوصله این نوشته به نکاتی اشاره می‌کنیم.

فراوانی و تنوع روایات مهدویت در منابع اهل سنت

مجموعه روایات نبوی که درباره مفهوم کلی مهدویت در منابع اهل سنت نقل شده فراوان است و شوکانی تعداد این روایات را ۵۰ روایت ذکر کرده (شوکانی، بی‌تا: ۴۰) که البته از نظر ما تعداد روایات نبوی در موضوع مهدویت منحصر به این تعداد نیست و فراتر از آن می‌باشد. نکته دیگر این که این روایات از نظر محتوایی درباره ابعاد مختلف مهدویت مانند ویژگی‌های مهدی، شرایط و اتفاقات زمان ظهور، محل ظهور، تعداد یاران، انتظار فرج، انتساب مهدی به اهل بیت علیهم‌السلام یا حضرت فاطمه علیها‌السلام، زمینه‌سازان حکومت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمة‌الرحمن‌علیه، نزول حضرت عیسی علیه‌السلام، آموزه‌هایی ارائه کرده است که همین گستردگی محتوایی روایات نیز دلیل دیگری بر اصالت این اندیشه در اسلام است.

تواتر روایات مهدویت از نظر اهل سنت

مسئله قابل توجه دیگر در مورد روایات مهدویت در منابع اهل سنت تعداد روایات با تعداد نقل این روایات است که این نیز مورد توجه علمای شیعه و سنی قرار گرفته و در مورد آن اظهار نظر کرده‌اند. تعداد زیادی از علمای اهل سنت در آثار خود از جمله *التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المتنظر والدجال و المسيح* (شوکانی، بی‌تا: ۴۰)، *کتاب لوامع الانوار البهية* (سفارینی، ۱۳۴۷: ج ۱)،

۱. به نقل از: قنوجی، *الاذاعة لما کان وما یكون بین یدی الساعة*، ص ۱۱۴؛ نیز به نقل از: المبارکفوری، *تحفة الأحمودی*

(۳۳)، نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار (شبلنجی، ۱۴۱۸: ۲۶۲)، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال (حافظ مزی، ۱۴۲۲: ج ۲۵، ۱۴۶-۱۴۹، ش ۵۱۸)، فتح الباری بشرح صحیح البخاری (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ج ۶، ۴۹۳)، الصواعق المحرقة (ابن حجر هیتمی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۴۸۰)، الإشاعة فی أشراف الساعة (حسینی برزنجی، ۱۳۷۰: ۸۷)، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر (کتانی مالکی، ۱۳۲۸: ۲۴۱)، ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون (غماری شافعی، ۱۳۴۷: ۴۳۶-۴۴۳)، به تواتر روایات مهدویت اعتراف کرده‌اند.

منابع روایات مهدویت در اهل سنت

اما در مورد منابع اهل سنت که احادیث مهدویت در آنها ذکر شده باید گفت دو دسته منبع وجود دارد:

۱. منابع روایی که به صورت اختصاصی درباره مهدویت و امام مهدی نگاشته شده است؛
۲. منابع روایی عمومی که شامل احادیث مهدویت هستند. با ذکر این نکته که در دسته دوم گاه نگارنده منبع برای احادیث مهدویت باب ویژه‌ای در نظر گرفته و گاه به صورت پراکنده و در میان احادیث دیگر به آن اشاره کرده است.

منابع عمومی

منابع دسته دوم یعنی منابع روایی عمومی اهل سنت مشتمل بر احادیث مهدویت شامل ۲۷ اثر روایی: المصتف صنعانی، الفتن نعیم بن حماد بن معاویه، الكتاب المصتف فی الأحادیث والآثار ابن ابی شیبہ کوفی، مسند احمد بن محمد بن حنبل، سنن ابن ماجه، سنن ابی داوود، الجامع الصحیح ترمذی، مسند ابو یعلیٰ موصلی احمد بن علی بن المثنی، الملاحم احمد بن جعفر بن محمد معروف بابن المنادی، المعجم الکبیر طبرانی، صحیح ابن حبان به ترتیب ابن بلبان، المستدرک علی الصحیحین محمد بن عبدالله نیشابوری معروف به حاکم، ذکر اخبار اصبهان احمد بن عبدالله معروف به ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء وطبقات الاصفیاء ابونعیم اصفهانی، السنن الواردة فی الفتن وغوائلها ابی عمرو الدانی، مصابیح السنه محمد بن الحسین بن مسعود البغوی الشافعی، جامع الاصول فی احادیث الرسول ابن اثیر جزری، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول محمد بن طلحة الشافعی، مختصر تاریخ دمشق ابن عساکر ابن منظور، مختصر سنن ابی داوود منذری شافعی، فرائد السمطین ابراهیم بن محمد جوینی خراسانی، المنار المنیف فی الصحیح

بشرح جامع الترمذی، ج ۶، ۴۸۵، در توضیح حدیث ۲۲۳۰ و نیز کتانی، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ۱۴۶.

والضعيف ابن قيم جوزيه، النهاية في الفتن والملاحم ابن كثير دمشقي، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد نور الدين علي بن ابي بكر هيثمي، الفصول المهمة في معرفة احوال الائمة ابن صباغ مالكي، الصواعق المحرقة احمد بن محمد بن حجر هيثمي، كنز العمال في سنن الاقوال والافعال متقي بن حسام الدين هندی است که در تمام این منابع روایی یا بابی به احادیث مهدویت اختصاص داده شده و یا با یک مناسبتی این روایات ذکر شده است.

منابع اختصاصی

علاوه بر این، ۸ اثر روایی نیز به صورت اختصاصی توسط علمای اهل سنت با موضوع مهدویت به رشته تحریر در آمده است که عبارتند از: *اربعون حدیث ابونعیم اصفهانی، مناقب المهدي ابونعیم اصفهانی، صفة المهدي ابونعیم اصفهانی، البيان فی أخبار صاحب الزمان کنجی شافعی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر یوسف بن یحیی المقدسی الشافعی، العرف الوردی فی أخبار المهدي جلال الدين السبوطی، القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر ابن حجر هيثمي، البرهان فی علامات مهدي آخر الزمان متقی هندی.*

نتیجه گیری

قائلان اسلامی نبودن اندیشه مهدویت، این اندیشه را با رویکرد دین شناختی هدف قرار داده و این اندیشه را به وارداتی بودن از دین مجوسیت، مسیحیت یا یهودیت متهم ساخته اند. ایشان در این زمینه به سابقه این اندیشه در ادیان مزبور و تشابه میان اندیشه مهدویت و منجی باوری ادیان پیشین استناد و بر این اساس، اصالت اسلامی آن را انکار کرده اند و البته در اثبات مدعای خود دلیل قابل توجهی از عقل و نقل و شواهد تاریخی ذکر نکرده اند. در میان قائلان اصالت اندیشه مهدویت در اسلام، بسیاری از علمای اهل سنت از اصالت اندیشه مهدویت در اسلام دفاع کرده و آن را برگرفته از منابع اصیل اسلامی می دانند و تا جایی پیش می روند که منکر مهدی را کافر قلمداد می کنند.

دیدگاه علمای اهل سنت درباره مهدویت و اصالت آن، تفاسیر اهل سنت درباره آیات مهدویت، روایات مهدویت موجود در منابع اهل سنت، کتاب های روایی و غیر روایی که درباره اصالت اندیشه مهدویت از سوی علمای اهل سنت نگاشته شده و ادعای تواتر درباره روایات مهدویت از سوی علمای اهل سنت، دلایل متقنی است که اصالت این اندیشه در اسلام را به اثبات می رساند.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی شیبہ، محمد، *الکتاب المصنف فی الأحادیث والآثار*، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۶ق.
- ابن حماد، نعیم، *الفتن*، بیروت، دارالکتب العلمیه، دوم، ۱۴۲۳ق.
- ابن حنبل، احمد، *مسند*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ابن خلدون، عبدالرحمان، *مقدمه ابن خلدون*، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۲۱ق.
- ابن صباغ، علی بن محمد، *الفصول المهمّة فی معرفة أحوال الأئمة*، بیروت، دارالاضواء، دوم، ۱۴۰۹ق.
- ابن طاووس، علی بن سعد الدین بن جعفر بن محمد، *الملاحم والفتن فی ظهور الغائب المنتظر*، بیروت، مؤسسه اعلمی، دوم، ۱۳۹۸ق.
- ابن قیّم الجوزیه، شمس الدین، *المنار المنیف فی الصحیح والضعیف*، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیه، اول، ۱۳۹۰ق.
- ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل بن کثیر، *النهاية فی الفتن والملاحم*، بیروت، دارالکتب، اول، ۱۴۰۸ق.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۱ق.
- ابوزهره، محمد، *الامام الصادق: حياته وعصره - آراؤه و فقهه*، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۹۳م.
- _____، *الامام زید: حياته وعصره - آراؤه و فقهه*، بیروت، مکتبة الإسلامیة، ۱۹۵۹م.
- ابی داوود، سلیمان بن اشعث، *کتاب السنن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۱ق.
- احمد، اسماعیل، *المهدی و فقهه أشراط الساعة*، ریاض، الدارالعالمیه، اول، ۱۴۲۳ق.
- اقبال لاهوری، محمد، *تجدید التفکیر الدینی فی الاسلام*، قاهره، لجنة التألیف والترجمه، ۱۹۶۸م.
- انصاری قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *تفسیر قرطبی (الجامع الأحكام القرآن)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۴ق.
- البانی، محمد ناصر الدین، *سلسلة الأحادیث الصحیحة*، ریاض، مکتبة المعارف للنشر والتوزیع، اول، ۱۴۱۵ق.

- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۲ق.
- البرزنجی، محمد، الإشاعة لأشراط الساعة، قاهره، مطبعة مشهدی الحسینی، اول، ۱۳۷۰ق.
- بستوی، عبدالعلیم، المهدي المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحة، بیروت، دار ابن حزم، اول، ۱۴۲۰ق.
- البهی، محمد، الفكر الاسلامی الحدیث وصالته بالاستعمار الغربی، قاهره، مكتبة وهبة، دهم، ۱۴۲۶ق.
- الترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح (سنن ترمذی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۱ق.
- التویجری، حمود بن عبدالله بن حمود، الإحتجاج بالأثر علی من انكر المهدي المنتظر، ریاض، الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية و الإفتاء و الدعوة و الإرشاد، ۱۴۰۳ق.
- جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، قم، صدر، سوم، ۱۳۷۹ش.
- جلی، احمد محمد احمد، دراسة عن الفرق فی تاریخ المسلمین، عربستان، مرکز الملك فیصل للبحوث و الدراسات الإسلامیة، ۱۴۲۹ق.
- حافظ مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الكمال فی أسماء الرجال، قاهره، الفاروق الحدیثة للطباعة و النشر، اول، ۱۴۲۲ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، ول، ۱۴۱۸ق.
- حسن، سعد محمد، المهدیة فی الإسلام منذ أقدم العصور حتی الیوم، دارالکتاب العربی، اول، ۱۳۷۳ق.
- خسروپناه، عبدالحسین، فلسفه فلسفه اسلامی، هیات حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره، قم ۱۳۸۸ش.
- السعفان، کامل، الساعة الخامسة والعشیرین، قاهره، دار الأمین، ۱۴۱۶ق.
- السعودی، ربیع بن محمد، الشیعة الامامیة الاثنی عشریة فی میزان الاسلام، دمشق، مكتبة مؤسسة الخافقین و مکتبتهها، دوم، ۱۴۰۲ق.
- السفارینی الأثری الحنبلی، شمس الدین ابوالعون محمد بن احمد بن سالم، لوامع الأنوار البهیة و سواطع الأسرار الأثریة لشرح الدررة المضیة فی عقد الفرقة المرضیة، مصر، بی نا، اول، ۱۳۲۴ق.

- السمان، محمد عبدالله، *الاسلام المصنفى*، القاهرة، مؤسسة الخانجى، بى تا.
- السيوطى، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر، *الحاوى للفتاوى*، بيروت، دارالفكر، دوم، ١٤١٤ق.
- _____، *الدر المنثور فى التفسير المأثور*، عراق، دارالكتب العراقية، ١٣٧٧ق.
- _____، *العرف الوردى فى اخبار المهدي*، بى جا، ١٤٢٦ق.
- الشبلنجى، سيد مؤمن بن حسن، *نور الأبصار فى مناقب آل بيت النبى المختار*، بيروت، دارالكتب العلميه، اول، ١٤١٨ق.
- الشوكانى، محمد، *التوضيح فى تواتر ما جاء فى المهدي المنتظر والدجال والمسيح*، بى جا، بى تا.
- الشيبى، كامل مصطفى، *الصلة بين التصوف والتشيع*، بغداد، الجمل، ٢٠١١م.
- صنعانى، عبدالرزاق، *المصتف*، هند، المجلس العلمى، اول، ١٣٩٠ق.
- طبرى، محمد بن جرير، *جامع البيان فى تفسير القرآن*، بى جا، دارالفجر الإسلامى، ١٤١٢ق.
- العباد، عبدالمحسن، *الرد على من كذب بالأحاديث الصحيحة الواردة فى المهدي*، مجله الجامعة الاسلاميه، ش ٤٥، ١٤١١ق.
- العسقلانى، ابن حجر، *فتح البارى بشرح الصحيح البخارى*، بيروت، دارالمعرفه، بى تا.
- الغمارى، احمد بن محمد بن الصديق، *إبراز الوهم المكنون من كلام ابن خلدون*، دمشق، مطبعة الترقى، اول، ١٣٤٧ق.
- القندوزى، سليمان، *ينابيع المودة*، بيروت، اعلمى، اول، ١٤١٨ق.
- القنوجى، سيد محمد صديق خان، *الإذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة*، القاهرة، مطبعة المدنى، دوم، ١٣٧٩ش.
- الكتانى، محمد بن جعفر، *نظم المتناثر من الحديث المتواتر*، فاس، مطبعة المولوديه، اول، ١٣٢٨ق.
- گلديهر، ايگناس، *العقيدة والشريعة فى الإسلام*، مصر، دارالكتب المصرية، ١٩٤٦م.
- المباركفورى، محمد بن عبدالرحمان، *تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذى*، بيروت، دار احياء التراث العربى، اول، ١٤١٥ق.
- متقى هندی، علاء الدين، *البرهان فى علامات مهدي آخر الزمان*، مكه، بى نا، اول، ١٤٠٨ق.
- محمد شاكر، احمد، *تحقيق المسند الإمام أحمد بن حنبل*، قاهره، دار احياء التراث، ١٤١٧ق.

- المقدسى السلمى الشافعى، يوسف بن يحيى بن على بن عبدالعزيز، عقد الدرر فى اخبار المتنظر،
قاهرة، مكتبة عالم الفكر، ١٣٩٩ق.
- ميبدى، احمد بن محمد، تفسير كشف الأسرار، تهران، اميركبير، ١٣٦١ش.
- ناصرالدين شاه، العقائد الشيعية ودجال القرن العشرين، بى جا، بى نا، بى تا.
- الوائلى، احمد، هوية التشيع، قم، دارالكتاب الإسلامى، دوم، ١٣٦٢ش.
- هيتمى، بن حجر حمد بن محمد، الصواعق المحرقة، بيروت، مؤسسة الرسالة، اول، ١٤١٧ق.
- الهيثمى السعيد الأنصارى، احمد بن محمد بن على بن حجر، الفتاوى الحديثية، مصر، نشر
مصطفى البابى الحلبي و اولاده، دوم، ١٣٩٠ق.

